

جزوه شماره ۷

# جهاد سیاسی

در بیانات امام خامنه ای مدظله العالی



## فهرست

### فصل اول: تعریف جهاد

تعریف جهاد، شرط جهاد، انواع جهاد - ۶

جهاد یعنی مبارزه، مبارزه در مقابل یک دشمن است - ۶

جهاد یعنی مبارزه/ مبارزه یعنی تلاش پُر نیرو در مقابل یک مانع یا یک دشمن - ۷

\*\*\*\*\*

### فصل دوم: ایمان و جهاد

تقویت ایمان - جهاد فی سبیل الله در میدان سیاست و ... - ۹

ذکر خدا در میدان های جنگ نظامی، سیاسی، اقتصادی، تبلیغاتی و ... - ۹

\*\*\*\*\*

### فصل سوم: شاخص های جهاد و مبارزات

نظریه اسلام سیاسی - ۱۱

شاخص های مکتب سیاسی امام(ره) - ۱۱

خون بر شمشیر پیروز است/ انقلاب اسلامی و حرکت امام حسین(ع) - ۱۲

قائده کلی و مهم در مبارزات - چه مبارزات نظامی و چه مبارزات سیاسی یا اقتصادی - ۱۳

مبارزه یکی از کار های واجب و اصلی هر انسانی/ جنگ و مبارزه ی سیاسی و معارضه ی با دشمنان - ۱۴

راه مجاهدت علمی، مجاهدت سیاسی و دفاع قدرت مندانه از حق روشن است - ۱۵

اگر کسی این دشمن با این وضوح را نبیند، آیا چنانچه بدخواه نباشد، غافل نیست؟! - ۱۶

آسیب شناسی انقلاب/ ملاحظه نقش عوامل درونی و بیرونی - ۱۶

جزء کوچکی از امت اسلام(ایران) و مقابله با همه استکبار در زمینه نظامی، سیاسی و اقتصادی - ۱۷

دلایل استثنایی بودن وظیفه علما و روحانیون در نظام جمهوری اسلامی - ۱۸

کدام جنگ نظامی، کدام جنگ تبلیغاتی، کدام جنگ سیاسی و کدام محاصره ی اقتصادی، قادر است ملت را خود

یافته ای راه از پیشرفت، تحرک و تکامل بازدارد؟! - ۱۹

### فصل چهارم: انواع جهاد

انواع و اقسام عرصه‌های زندگی بشر، عرصه‌ی جهادند- ۲۲  
یقیناً جنگ سیاسی، اقتصادی و به‌ویژه فرهنگی خواهیم داشت- ۲۲  
جهاد فقط به معنای حضور در میدان جنگ نیست؛ جهاد سیاسی، جهاد فرهنگی، جهاد سازندگی و .../شرط اول و دوم  
جهاد- ۲۲

\*\*\*\*\*

### فصل پنجم: مردم، جوانان و جهاد

ملت ما در میدان‌های جهاد- ۲۵  
پایمردی جوانان در میدان‌های علم و سیاست و ... - ۲۵  
بسیجی و مسائل سیاسی / اصل اول و یک خط قرمز - ۲۶

\*\*\*\*\*

### فصل ششم: مبارزین و مبارزات سیاسی

مبارزات سیاسی در شیراز- ۲۸  
جهاد سیاسی و فرهنگی عالم مجاهد آیت‌الله آقای حاج سید محمد شیرازی رحمه الله علیه- ۲۹  
مجاهدت علمی و سیاسی شهید آیت‌الله سید محمد باقر صدر- ۲۹  
مبارزات سیاسی شهید نواب صفوی، دکتر مصدق و آیت‌الله کاشانی- ۲۹  
مردم و مسائل سیاسی/اختناق در دوران قبل انقلاب- ۳۰  
حضور زنان در میدان‌های عظیم مبارزه‌ی سیاسی - ۳۱  
حضور برادران شیعه و سنی در کنار هم در مبارزات سیاسی و ...- ۳۱  
حرکت افتخار آمیز و جهاد سیاسی در دوم خرداد- ۳۲

\*\*\*\*\*

### فصل هفتم

#### دشمنان

تفکر و شیوه طرفداران خلق در مقابله با نظام اسلامی- ۳۴  
جهاد بزرگ در مقابل ملت مسلمان - ۳۵  
اگر بتوانیم ضربه‌ی سیاسی به امریکا و اسرائیل بزنیم، حتماً می‌زنیم، اما ...- ۳۵  
مرزهای مادی آزادی زنده ماندن، آزادی عقیده، آزادی مبارزه‌ی سیاسی در دنیای غرب- ۳۷  
دلیل اهمیت مذاکره با ایران برای امریکا/شروع مبارزات سیاسی و اصلاحی مسلمانان- ۳۷

فصل اول

# تعریف جہاد

## تعریف جهاد، شرط جهاد، انواع جهاد

بدون جهاد، هیچ دشمنی از صحنه عقب‌نشینی نخواهد کرد، و جهاد هم جز با اتحاد و وحدت و هماهنگی، امکان‌پذیر نیست. جهاد، عبارت از جهاد نظامی، جهاد سیاسی و جهاد فرهنگی است.

این هر سه، جهاد است. هیچ‌کدام را شما مغفول<sup>۱</sup> عنه نگذارید. مبدا کسانی که در جبهه هستند و به جهاد نظامی مشغولند، کار سیاسی و تعارف بین‌المللی را دست کم بگیرند. سرتان کلاه خواهد رفت؛ این را بدانید. اگر این را دست کم بگیرید و نادیده بینگارید، مطمئناً ضرر خواهید کرد. فعالیت سیاسی، به تنهایی و بدون پشتوانه‌ی نظامی، هیچ کاری از آن بر نخواهد آمد. اگر کار نظامی نباشد، بهترین کار سیاسی هم به نتیجه‌ی نخواهد رسید. کار نظامی باید پشتوانه باشد؛ البته برای کسانی که اهل حقتند. کسانی که اهل باطل و سازشند، اصلاً به کار جهادی احتیاج ندارند. بروند سازش کنند و مشکلاتشان را اگر حل شد حل کنند. کسانی که اهل حقتند، این‌طور نیستند. بدون کار جهادی، کار سیاسی و تحرک، هیچ فایده‌ی ندارد. کار سیاسی، باید پشتوانه‌ی جهاد نظامی داشته باشد و هر دوی این‌ها، بدون کار فرهنگی بی‌ثمر خواهد بود. کار فرهنگی، مردم را با شما نگره خواهد داشت. اکثرتان یا جمع کثیری از شما، بحمد الله عالم، فاضل، درس‌خوانده، زحمت‌کشیده و وارد به مفاهیم اسلامی و قرآنی هستید. کار فرهنگی را این‌شاء الله دنبال کنید. این‌شاء الله که خداوند همه‌ی شماها را موفق و مؤید بدارد. (۱)

## جهاد یعنی مبارزه، مبارزه در مقابل یک دشمن است

جهاد با جهد و تلاش از لحاظ ریشه یکی‌اند؛ یعنی در آن معنای جهد و کوشش وجود دارد؛ اما جهاد فقط این نیست؛ جهاد یعنی مبارزه؛ مبارزه‌ی در همین اصطلاح متعارف فارسی امروز ما. مبارزه انواع و اقسامی دارد: مبارزه‌ی علمی داریم، مبارزه‌ی مطبوعاتی داریم، مبارزه‌ی سیاسی داریم، مبارزه‌ی اقتصادی داریم، مبارزه‌ی نظامی داریم، مبارزه‌ی آشکار داریم، مبارزه‌ی پنهان داریم؛ اما یک نقطه‌ی مشترک در همه‌ی این‌ها وجود دارد و آن اینکه در مقابل یک خصم است؛ در مقابل یک مانع است. مبارزه با دوست معنی ندارد؛ مبارزه در مقابل یک دشمن است.

فرض کنید در دوران اختناق، کسی هر هفته مثلاً پنج تا کتاب می‌خواند؛ خیلی کار بود؛ اما لزوماً مبارزه نبود؛ جهد بود، جهاد نبود. اگر می‌خواست جهاد باشد، باید کتابی را می‌خواند که در حرکت او در مواجهه‌ی با رژیم طاغوت و رژیم اختناق، تأثیر داشت؛ آن وقت می‌شد جهاد. خاصیت جهاد این است. (۲)

## جهاد یعنی مبارزه / مبارزه یعنی تلاش پُر نیرو در مقابل یک مانع یا یک

### دشمن

جهاد یعنی مبارزه. در زبان فارسی، جنگ و ستیزه‌گری معنای مبارزه را نمی‌دهد. می‌گویی من دارم مبارزه می‌کنم؛ مبارزه‌ی علمی می‌کنم، مبارزه‌ی اجتماعی می‌کنم، مبارزه‌ی سیاسی می‌کنم، مبارزه‌ی مسلحانه می‌کنم؛ همه‌ی این‌ها مبارزه است و معنا دارد. مبارزه یعنی تلاش پُر نیرو در مقابل یک مانع یا یک دشمن. اگر هیچ مانعی در مقابل انسان نباشد، مبارزه وجود ندارد. در جاده‌ی آسفالته، انسان پایش را روی گاز بگذارد و با باک پُر از بنزین سفر کند؛ این را مبارزه نمی‌گویند. مبارزه آنجایی است که انسان با مانعی برخورد کند، که این مانع در جبهه‌های انسانی، می‌شود دشمن؛ و در جبهه‌های طبیعی، می‌شود موانع طبیعی. اگر انسان با این موانع درگیر شود و سعی کند آن‌ها را از میان بردارد، این می‌شود مبارزه. جهاد در زبان عربی عیناً به همین معناست؛ یعنی مبارزه. جهاد در قرآن و حدیث هم به همین معناست؛ همه جا به معنای جنگ مسلحانه نیست. البته یک جا با جنگ مسلحانه تطبیق می‌کند، یک جا هم با جنگ غیر مسلحانه تطبیق می‌کند. (۳)

فصل دوم

# ایمان و جهاد



## تقویت ایمان - جهاد فی سبیل الله در میدان سیاست و ...

بشریت اگر بیندیشد و انصاف را رعایت کند، تصدیق خواهد کرد که نجات بشر و حرکت بشر به سوی کمال، به برکت اسلام ممکن خواهد شد و لاغیر. ما مسلمانها قدرناشناسی کردیم؛ ما نمک خوردیم و نمکدان را شکستیم؛ ما قدر اسلام را ندانستیم؛ ما پایه‌هایی را که پیغمبر اکرم برای بنای جوامع برجسته و متکامل انسانی بناگذاری کرده بود، در میان خود نگه نداشتیم؛ ما ناشکری و ناسپاسی کردیم و چوبش را هم خوردیم. اسلام این توانائی را داشت و دارد که بشریت را به سعادت برساند، به کمال برساند و از لحاظ مادی و معنوی او را رشد دهد. این پایه‌هایی که پیغمبر گذاشتند - پایه‌ی ایمان، پایه‌ی عقلانیت، پایه‌ی مجاهدت، پایه‌ی عزت - پایه‌های اصلی جامعه‌ی اسلامی است.

ایمانمان را در دل‌های خود و در عمل خود تقویت کنیم؛ از خرد انسانی، که هدیه‌ی بزرگ الهی به بشر است، استفاده کنیم؛ جهاد فی سبیل الله را چه در میدان‌های نبرد نظامی، آن وقتی که لازم باشد؛ چه در میدان‌های دیگر، میدان سیاست، میدان اقتصاد و دیگر میدان‌ها - دنبال کنیم و حس عزت و کرامت انسانی و اسلامی را برای خودمان مغتنم بشماریم. (۴)

## ذکر خدا در میدان‌های جنگ نظامی، سیاسی، اقتصادی، تبلیغاتی و ...

در همه‌ی میدان‌های جنگ - هم میدان جنگ نظامی، هم میدان جنگ سیاسی، هم میدان جنگ اقتصادی، هم میدان جنگ تبلیغاتی - ذکر خدا کنید که این ذکر خدا موجب فلاح و کامیابی شماست. ذکر خدا پشتوانه‌ی ثبات قدم است. (۵)

فصل سوم

شاخص های مجاهد

و مبارزات

## نظریه اسلام سیاسی

نسیم بیداری اسلامی در همه جای جهان اسلام وزیده و پا نهادن اسلام به عرصه عمل، به مطالبه ای جدی بدل شده است. نظریه «اسلام سیاسی» جایگاهی والا در ذهن نخبگان یافته و در مد نگاه آنان، افقی روشن و امیدبخش گشوده است. با افول اندیشه‌های وارداتی و پرنجنال، همچون سوسیالیسم و مارکسیسم و به خصوص با دریده شدن پرده ریا و فریب از روی دمکراسی لیبرال غرب، سیمای عدالتخواه و آزادی‌بخش اسلام، از همیشه آشکارتر گشته و بی‌رقیب، در صدر آرزوهای عدالتخواهان و آزادی‌طلبان و نخبگان و اندیشمندان نشسته است. جوانان و جوانمردان بسیاری در کشورهای مسلمان به نام اسلام و در آرزوی حکومت عدل اسلامی به جهاد سیاسی و فرهنگی و اجتماعی روی آورده‌اند و عزم ایستادگی در برابر تحمیل و سلطه بیگانگان مستکبر را در جوامع خود گسترش می‌دهند.

در مناطقی از دنیای اسلام که نقطه اوج آن کشور مظلوم فلسطین است، مردان و زنان بی‌شماری با بذل جان در زیر پرچم اسلام و با شعار استقلال و عزت و آزادی، حماسه‌ای دایمی و همه روزه پدید آورده و قدرت‌های مادی مستکبر را در برابر دلیری خود، زبون ساخته‌اند. (۶)

## شاخص های مکتب سیاسی امام(ره)

مکتب سیاسی امام دارای شاخصهایی است. من امروز چند خط از خطوط برجسته‌ی این مکتب را در اینجا بیان می‌کنم. یکی از این خطوط این است که در مکتب سیاسی امام، معنویت با سیاست در هم تنیده است. در مکتب سیاسی امام، معنویت از سیاست جدا نیست؛ سیاست و عرفان، سیاست و اخلاق. امام که تجسم مکتب سیاسی خود بود، سیاست و معنویت را باهم داشت و همین را دنبال می‌کرد؛ حتی در مبارزات سیاسی، کانون اصلی در رفتار امام، معنویت او بود. همه‌ی رفتارها و همه‌ی مواضع امام حول محور خدا و معنویت دور می‌زد. امام به اراده‌ی تشریحی پروردگار اعتقاد و به اراده‌ی تکوینی او اعتماد داشت و می‌دانست کسی که در راه تحقق شریعت الهی حرکت می‌کند، قوانین و سنت‌های آفرینش کمک‌کار اوست. او معتقد بود که: «و لله جنود السموات و الأرض و كان الله عزيزاً حكيماً». امام قوانین شریعت را بستر حرکت خود می‌دانست و علائم راهنمای حرکت خود به‌شمار می‌آورد. حرکت امام برای سعادت کشور و ملت، بر مبنای هدایت شریعت اسلامی بود؛ لذا «تکلیف الهی» برای امام کلید سعادت به حساب می‌آمد و

او را به هدفهای بزرگِ آرمانی خود می‌رساند. اینکه از قول امام معروف است و همه می‌دانیم که گفته بودند «ما برای تکلیف عمل می‌کنیم، نه برای پیروزی»، به معنای بی‌رغبتی ایشان به پیروزی نبود. بدون تردید پیروزی در همه‌ی هدفهای بزرگ، آرزوی امام بود. پیروزی جزو نعمتهای خداست و امام به پیروزی علاقه‌مند بود- نه اینکه علاقه‌مند نبود یا بی‌رغبت بود- اما آنچه او را به سوی آن هدفها پیش می‌برد، تکلیف و عمل به وظیفه‌ی الهی بود؛ برای خدا حرکت کردن بود. چون انگیزه‌ی او این بود، لذا نمی‌ترسید؛ شک نمی‌کرد؛ مأیوس نمی‌شد؛ مغرور نمی‌شد؛ متزلزل و خسته هم نمی‌شد. این‌ها خاصیت عمل به تکلیف و عمل برای خداست. کسی که برای تکلیف عمل می‌کند، دچار تردید و متزلزل نمی‌شود؛ ترسیده و خسته نمی‌شود؛ از راه بر نمی‌گردد و مصلحت‌اندیشی‌های شخصی، تعیین‌کننده‌ی راه و جهت‌گیری او نمی‌شود. کسی که سیاست را با عرفان جمع می‌کند و معنویت را با حرکت سیاسی، یکجا در برنامه زندگی خود قرار می‌دهد، برای او ترس از مرگ معنا ندارد؛ ترس از شکست هم معنا ندارد. این درست نقطه‌ی مقابل سیاستِ کهنه شده و ازمدفاده‌ی غربی است که به‌دروغ آن را سیاستِ مدرن می‌گویند؛ یعنی تفکیک دین از سیاست، و تفکیک دولت از معنویت.(۷)

### خون بر شمشیر پیروز است / انقلاب اسلامی و حرکت امام حسین(ع)

در محرم سال ۴۲، امام بزرگوار ما از این ممشاء استفاده کرد و آن حادثه‌ی عظیم پانزده خرداد به وجود آمد. در محرم سال ۱۳۵۷ هم امام عزیز ما باز از همین حادثه الهام گرفت و گفت: «خون بر شمشیر پیروز است» و آن حادثه‌ی تاریخی بی‌نظیر- یعنی انقلاب اسلامی- پدید آمد. این، مال زمان خود ماست؛ جلوی چشم خود ماست؛ ولی در طول تاریخ هم این پرچم برای ملت‌ها پرچم فتح و ظفر بوده است و در آینده هم باید همین‌طور باشد و همین‌طور خواهد بود. این بخش «منطق»، که عقلانی است و استدلال در آن هست. بنابراین، صرف یک نگاه عاطفی، حرکت امام حسین را تفسیر نمی‌کند و بر تحلیل جوانب این مسئله قادر نیست.

عنصر دوم، حماسه است؛ یعنی این مجاهدتی که باید انجام بگیرد، باید با عزت اسلامی انجام بگیرد؛ چون «العزّة لله و لرسوله و للمؤمنین». «مسلمان در راه همین حرکت و این مجاهدت هم، بایستی از عزت خود و اسلام حفاظت کند. در اوج مظلومیت، چهره را که نگاه می‌کنی، یک چهره‌ی حماسی و عزتمند است. اگر به مبارزات سیاسی، نظامی گوناگون تاریخ معاصر خودمان نگاه کنی، حتی آن‌هایی که تنگ گرفته‌اند و به

جنگ رویاروی جسمی اقدام کرده‌اند، می‌بینید که گاهی اوقات خودشان را ذلیل کردند! اما در منطق عاشورا، این مسئله وجود ندارد؛ همان جایی هم که حسین بن علی (علیه‌السلام) یک شب را مهلت می‌گیرد، عزتمندانه مهلت می‌گیرد؛ همان جایی هم که می‌گوید: «هل من ناصر» - استنصار می‌کند - از موضع عزت و اقتدار است؛ آن جایی که در بین راه مدینه تا کوفه با آدم‌های گوناگون برخورد می‌کند و با آن‌ها حرف می‌زند و از بعضی از آن‌ها یاری می‌گیرد، از موضع ضعف و ناتوانی نیست؛ این هم یک عنصر برجسته‌ی دیگر است. این عنصر در همه‌ی مجاهداتی که رهروان عاشورایی در برنامه‌ی خود می‌گنجانند، باید دیده شود. همه‌ی اقدام‌های مجاهدت‌آمیز - چه سیاسی، چه تبلیغی، چه آنجایی که جای فداکاری جانی است - باید از موضع عزت باشد. در روز عاشورا در مدرسه‌ی فیضیه، چهره‌ی امام را نگاه کنید: یک روحانی‌ای که نه سرباز مسلح دارد و نه یک فشنگ در همه‌ی موجودی خود دارد، آن چنان با عزت حرف می‌زند که سنگینی عزت او، زانوی دشمن را خم می‌کند؛ این موضع عزت است. امام در همه‌ی احوال همین‌طور بود؛ تنها، بی‌کس، بدون عِدّه و عُدّه، اما عزیز؛ این چهره‌ی امام بزرگوار ما بود. خدا را شکر کنیم که ما در زمانی قرار گرفتیم که یک نمونه‌ی عینی از آنچه را که بارها و سال‌ها گفته‌ایم و خوانده‌ایم و شنیده‌ایم، جلوی چشم ما قرار داد و به چشم خودمان او را دیدیم؛ و او، امام بزرگوار ما بود. (۸)

## قائده کلی و مهم در مبارزات - چه مبارزات نظامی و چه مبارزات سیاسی یا اقتصادی

در مبارزات - چه مبارزات نظامی و چه مبارزات سیاسی یا اقتصادی - هر طرف باید بر نقاط قوت خود و نقاط ضعف طرف مقابل تکیه کند. شما ببینید نقطه‌ی قوتتان چیست و روی آن تکیه کنید؛ چنان‌که در میدان جنگ همین کار را می‌کنید. یعنی نقطه ضعف طرف را می‌یابید، رخنه‌گاه را در صفوف طرف مقابل پیدا می‌کنید و حمله را بر نقاط ضعف طرف متمرکز می‌نمایید؛ و اگر بتوانید نقاط قوت طرف را از بین ببرید، به این کار می‌پردازید. فرض بفرمایید اگر دشمن هواپیماهای بسیار تیزپروازی دارد، برای زمین‌گیر کردن او در منطقه، ضد‌هوایی‌تان را تقویت می‌کنید. یا اگر زرهی بسیار مسلطی دارد، شما ضد زرهیتان را مجهز می‌کنید تا او زمین‌گیر شود. در مبارزات نظامی، این قاعده‌ی کلی است و همه‌ی ارتشهای جهان، در نبردها چنین کاری می‌کنند. در دنیای سیاست نیز همین‌طور است. استکبار به کشور ما نگاه کرده و دیده است که

ملت ایران نقاط قوت و نقاط ضعفی دارد. بنابراین می‌خواهد ضمن حدّ اکثر استفاده از نقاط ضعف، تا آنجا که می‌تواند نقاط قوت را از بین ببرد و مانع استفاده‌ی این ملت از نقاط قوت خود شود. (۹)

## مبارزه یکی از کارهای واجب و اصلی هر انسانی / جنگ و مبارزه‌ی سیاسی و معارضه‌ی با دشمنان

یکی از کارهای واجب و اصلی برای هر انسانی چه در موضع یک فرد، چه در موضع یک جمع؛ که حکومت و یا یک قدرت باشد این است که مبارزه کند؛ یعنی دائم باید تلاش کند و به تنبلی و بی‌عملی و بی‌تعهدی تن ندهد. گاهی انسان عمل هم دارد، اما نسبت به وظایف اصلی تعهد ندارد؛ می‌گوید به ما چه! کج رویهای برخاسته از هوس نیز همین‌طور است. انسان به این‌ها نباید تن بدهد. بایستی حتماً با تنبلی و بی‌عملی خودش مبارزه کند؛ تلاش و مجاهدت کند و در این راه قبول خطر کند. این یکی از وظایف است. البته این مجاهدت باید مجاهدت فی سبیل الله باشد که آن را در بند بعدی عرض می‌کنم.

پنجمی و آخری، امید به پیروزی در همه‌ی شرایط است؛ به شرط آنکه جهاد فی سبیل الله باشد. کسی که مشغول مجاهدت است، حق ندارد ناامید شود؛ چون یقیناً پیروزی در انتظار اوست. آن مواردی که پیروزی به دست نیامده و ناکامی حاصل شده است، به این خاطر بوده که مجاهدت فی سبیل الله نبوده است؛ یا اگر مجاهدت بوده، فی سبیل الله نبوده؛ یا اصلاً مجاهدت نبوده است. شرط مجاهدت فی سبیل الله چیست؟ این است که انسان به سبیل الله ایمان و باور و معرفت داشته باشد و آن را بشناسد؛ بنابراین می‌تواند در راه آن مجاهدت کند.

این‌ها وظایف یک انسان به عنوان یک فرد و وظایف یک مجموعه به عنوان حکومت است. عرض کردم، این‌ها مخصوص دوران قدرت نیست که چون امروز حکومت در دست مجموعه‌ی مؤمنین بالله و مؤمنین به اسلام است، ما این وظایف را داریم. آن وقتی هم که قدرت در دست این مجموعه نبود، در دست دشمنانشان بود، در دست طاغوت بود، در دست مفسدین فی الأرض بود، همه‌ی این وظایف وجود داشت.

بعضی عمل می‌کردند، بعضی عمل نمی‌کردند؛ بعضی بیشتر عمل می‌کردند، بعضی کمتر عمل می‌کردند. این وظایف الآن هم بر عهده‌ی همه‌ی مسلمانهاست؛ البته بعضی وظایفشان بیشتر است، بعضی کمتر

است. وظیفه‌ی اصلی همه‌ی انبیا و ائمه و اولیا این بوده است که مردم را به همین وظایف آشنا کنند؛ چه در دورانی که می‌توانستند قدرت را کسب کنند بگویند بروید مجاهدت کنید و قدرت را به دست آورید و این‌گونه اداره کنید چه آن وقتی که نمی‌شد قدرت را به دست بیاورند. همه هم تلاش و مبارزه کرده‌اند؛ «و کاین من نیی قاتل معه ربیون کثیر». جنگ و مبارزه‌ی سیاسی و معارضه‌ی با دشمنان، چیزی نیست که اول بار در اسلام آمده باشد؛ نه. در زمان پیغمبران گذشته انبیا بزرگ الهی، از زمان ابراهیم به این طرف هم بوده است. شاید قبل از ابراهیم هم بوده که من اطلاعی ندارم. بنابراین، این وظایف، وظایفی است که انبیا ما را به آن سمت می‌کشاند. البته در حکومت حق، در آنجایی که قدرت در دست بندگان خدا مؤمنین بالله و مؤمنین به سبیل الله قرار دارد، این وظیفه سنگین‌تر است. چرا؟ چون توانایی شما به عنوان جزئی از مجموعه‌ی حکومت دولت، با توانایی فردی مثل شما در بهترین حالات حکومت طاغوت قابل مقایسه نیست. فرض کنیم در حکومت طاغوت، آن اختناق و آن شدت‌ها و آن گمراهیها و آن اضلال وسایل ارتباط جمعی و ... وجود نداشته باشد؛ امکانات بدهند و معارضه‌ی آن‌چنانی هم نکنند؛ از قدرتشان علیه شما هم استفاده نکنند. وضع کنونی یعنی وضع وجود یک قدرت اسلامی شاید هزار مرتبه از بهترین حالاتی که در حکومت طاغوت ممکن است یک فرد برای ترویج و پیگیری و تحقق آرمان‌های الهی داشته باشد، بهتر باشد. پس بایستی این را قدر دانست. (۱۰)

## راه مجاهدت علمی، مجاهدت سیاسی و دفاع قدرت‌مندانه از حق روشن است

پس از گذشت سالهای متمادی ملت‌های مسلمان به خود آمدند و نهضت بیداری مسلمانان و پرچم‌های حق‌طلبی و آزادی‌خواهی در سراسر جهان اسلام، افق‌های نویدبخشی را در برابر آنان گشود و در نهایت، پیروزی اسلام در ایران و برپا شدن نظام جمهوری اسلامی، آغاز دوران نوینی را برای جهان اسلام اعلام کرد.

بدیهی است که کانون‌های زر و زور جهان به آسانی تسلیم حق نمی‌شوند و ملت‌های مسلمان، راهی دراز و دشوار ولی مبارک و خوش‌عاقبت در پیش رو دارند. روندگان این راه اگر استقامت بورزند خود و نسل‌های پس از خود را از ذلت عقب‌ماندگی و اسارت سیاسی و اقتصادی و فرهنگی رها خواهند ساخت و طعم گوارای زندگی در سایه‌ی اسلام را خواهند چشید.

این راه، راه مجاهدت علمی، مجاهدت سیاسی و دفاع قدرت‌مندان از حق روشن است. در این میدان، مسلمانان مدافع شرف و عزت و حقوق پایمال‌شده‌ی خویشند. انصاف و وجدان بشری، قاضی آگاه و بی‌گذشتی است که این مجاهدت مظلومانه را تأیید می‌کند و سنت الهی، پیروزی حتمی آنان را نوید می‌دهد: اذن للذین یقاتلون بانهم ظلموا و ان الله علی نصرهم لقدیر.. (۱۱)

## **اگر کسی این دشمن با این وضوح را نبیند، آیا چنانچه بدخواه نباشد، غافل نیست؟!**

بعضی کسان ترویج می‌کنند که ما دشمن خارجی نداریم! انسان از غفلت بعضی افراد تعجب می‌کند. من به شما عرض کنم، این انقلاب و این کشور و این حرکت عظیم، بزرگترین ضربه را بر منافع چپ‌ولگران و غارتگران بین‌المللی وارد کرده است. اگر این حرف حقیقت دارد که انقلاب اسلامی و نظام اسلامی جلوه منافع غارتگرانه‌ی بیگانگان را در این کشور گرفته است که حقیقت دارد و راست است دیگر کدام توضیحی برای اثبات وجود دشمن لازم است؟! معلوم است که دشمن کیست و چه کسی با این نظام مخالف است.

اکثر رسانه‌های دنیا در دست همان غارتگران است. رادیوها و تلویزیون‌ها و مطبوعات و سازمانهای خبررسانی متعلق به آنهاست. غالباً در بیشتر نقاط عالم، جنگ فرهنگی و سیاسی عظیمی را علیه جمهوری اسلامی شروع کرده‌اند؛ که دنبال این جنگ فرهنگی، جنگ سیاسی همراه با مودّی‌گریهای اقتصادی و فشارهای گوناگون است. اگر کسی این دشمن با این وضوح را نبیند، آیا چنانچه بدخواه نباشد، غافل نیست؟! (۱۲)

## **آسیب شناسی انقلاب/ملاحظه نقش عوامل درونی و بیرونی**

در آسیب شناسی انقلاب، باید نقش عوامل درونی و بیرونی، هر دو ملاحظه بشود. البته اینجا دو افراط وجود دارد که من مایلیم ذهن خودم را همواره از هر دو افراط، رها کنم و ذهن مردم را هم برحذر بدارم که دچار این دو افراط نشوند. یکی این که ما عوامل بیرونی را عمده کنیم و از عوامل درونی غافل بمانیم؛ دیگری به‌عکس، عوامل درونی را عمده کنیم و از عوامل بیرونی غافل بمانیم. الان کسانی هستند که به



هر دو این افراطها هم مبتلا هستند؛ هر دو عامل، جداً وجود دارد. اگر انسان نگاه کند، می‌بیند که عوامل بیرونی، دشمنی دشمنان انقلاب از هر دو جهت است.

ببینید، این مهم است که آن روز در دنیا با انقلاب کبیر فرانسه، به آن صورت قدرتی وجود نداشت و ارتباطات، آن جور نبود که بخواید بایستد و مقابله و مبارزه کند؛ ولی بعد که فتوحات ناپلئون شروع شد، انگلیس و دیگران با او مقابله کردند. البته صرافهای انگلیس، مخالف بودند، لردهای خود فرانسه، یا آلمان، یا فلان ملّاکین عمده، مخالف بودند؛ اما قدرت سازمان‌یافته‌ی منسجم سیاسی که بنشینند طراحی کند و مبارزه‌ی سیاسی و نظامی و تبلیغاتی و روانی و همه را باهم بکند، اصلاً وجود نداشت. (۱۳)

## جزء کوچکی از امت اسلام (ایران) و مقابله با همه استکبار در زمینه نظامی، سیاسی و اقتصادی

آنچه که در حج به نظر می‌رسد از همه‌ی چیزها مهم‌تر است، سه مطلب است:

یکی اینکه ما بتوانیم به مخاطبان خودمان هر که هستند عظمت و کارآمد بودن و گسترش دامنه‌ی عظیم امت اسلامی از جهات مختلف را تفهیم کنیم. این، وظیفه‌ی اول است. در دنیای اسلام، بحث هزار و میلیون نیست؛ شاید صدها میلیون یا بیش از این‌ها آدم وجود دارد که عظمت و شکوه و کارایی و حجم غیر قابل محاسبه‌ی دنیای اسلام را نمی‌داند؛ لذا خود را ضعیف می‌پندارد و در مقابل همه‌ی استکبار، خویش را تنها و ناتوان احساس می‌کند. باید تفهیم کرد که دنیای اسلام و امت اسلام یعنی چه. اگر کسی بخواید عظمت امت اسلام را بفهمد که واقعاً نمی‌شود با این توصیفهای ساده تفهیم کرد به جزء کوچکی از امت اسلام که ملت ایران است نگاه کند. مگر ما چقدر از امت اسلامیم؟ شما ببینید این بخش از امت اسلام، آن زمان که اراده کرد، تصمیم گرفت و پای تصمیم خود ایستاد، تمام قدرتهای جهانی اینکه دیگر شوخی نیست، این مبالغه که نیست؛ شما که خوب می‌دانید در جنگ نظامی با او مجبور شدند عقب‌نشینی کنند؛ در جنگ سیاسی با او مجبور شدند احساس شکست را بپذیرند؛ در جنگ اقتصادی با او مجبور شدند ناکامی خودشان را تحمّل کنند. مگر غیر از این است؟ (۱۴)

## دلایل استثنایی بودن وظیفه علما و روحانیون در نظام جمهوری اسلامی

وظیفه‌ای که امروز در نظام جمهوری اسلامی بر عهده‌ی علما و روحانیون است، از چند جهت وظیفه‌ی استثنایی است: هم برای خود ما در طول تاریخ روحانیت شیعه و فقاقت اسلام استثنایی است و هرگز چنین دورانی را نداشتیم که فقها و علما وظیفه‌ی سنگینی مانند امروز داشته باشند، و هم نسبت به سایر علمای دین در سراسر جهان این وظیفه استثنایی است؛ چون در کشور و جامعه‌ی ما نظامی استقرار پیدا کرده است که بر مبنای تفکر و شریعت اسلامی شکل گرفته و اداره می‌شود و این نظام پذیرفته است که به سمت تحقق کامل شریعت و اهداف اسلامی حرکت کند. علما در بلاد اسلامی، از این جهت بار سبک‌تری بر دوش دارند.

اگرچه به یک معنا وظیفه‌ی دفاع از دین عمومی است و سکوت علما در مقابل سلاطین و رؤسای ظالم و ضد دین و مماشات آن‌ها در برابر سیاستهای استکباری - چه شرقی و چه غربی - قابل قبول نیست و خدای متعال وظیفه‌ی دفاع از دین را بر عهده‌ی علما و مرشدان ملت و معلمان امت گذاشته است و این امر اختصاص به زمان و مکان خاصی ندارد و در همه‌ی اقطار اسلامی، دفاع از اسلام و قرآن و شریعت اسلامی در درجه‌ی اول بر عهده‌ی علماست و در هیچ شرایطی از این کار معاف نمی‌شوند، منتها در آن کشورها کار علما آسان‌تر و ساده‌تر است و پیچیدگی کار در نظام اسلامی را ندارد.

در آنجا مسئولیت دفاع از حیثیت جهانی اسلام و تنظیم سیستم و نظامی که لزوماً تمام جوانب آن براساس اسلام شکل بگیرد، بر دوش آن‌ها نیست. آن‌ها وظیفه‌ی امر به معروف و نهی از منکر را تا حدی که در فقه مشخص شده و به اندازه‌ای که امکان اثر و یا قدرت انجام آن باشد، لازم می‌دانند؛ اما اداره‌ی نظام و مردم و ساختن و پرداختن و جمع و جور کردن مجموعه‌ی زندگی انسانها براساس اسلام، کار بسیار پیچیده و ظریف و دشواری است که در این زمان بر دوش ما و علما در جامعه‌ی اسلامی است.

ممکن است آن‌ها از لحاظ مبارزه‌ی سیاسی، بعضی از دشواریها را داشته باشند؛ اما آن سختیها به مراتب آسان‌تر و سبک‌تر از مسئولیتهایی است که برای دفاع از حیثیت جهانی اسلام در نظام ما وجود دارد. باید باور کنیم که اگر امروز جمهوری اسلامی بد و ضعیف عمل کند، فقط به حیثیت این نظام صدمه نمی‌خورد؛ بلکه به تمام حیثیت اسلام صدمه خواهد خورد.

در حقیقت از نظر ناظران جهانی، قبهٔ الإسلام و علم و مظهر جامعه‌ی نمادین اسلام اینجاست. اگر ما ضعیف و بد عمل کنیم و نتوانیم احکام اسلامی و عدالت اجتماعی را استقرار بخشیم و استعدادها را جوشان سازیم و از آنها استفاده کنیم و نتوانیم اخلاق اسلامی را در جامعه رواج دهیم و روابط انسانها را به صورت مطلوب تنظیم کنیم، قضاوت دنیا این خواهد بود که اسلام نتوانست به وعده‌های خود عمل کند. می‌بینید که این مسئولیت فقط بر عهده‌ی ماست، و علمای کشورهای دیگر که با نظامهای متفاوت زندگی می‌کنند، این احساس را در خود ندارند. (۱۵)

### **کدام جنگ نظامی، کدام جنگ تبلیغاتی، کدام جنگ سیاسی و کدام محاصره‌ی اقتصادی، قادر است ملتِ راه خود یافته‌ای را، از پیشرفت، تحرک و تکامل بازدارد؟!**

خدا را سپاسگزاریم که در مزرعِ الهیِ عظیم و بالنده‌ای به وسعت ایران اسلامی، در هر گوشه، به برکت قرآن و تعالیم اسلامی، نهالهای برومند در حال رویدن و بالیدن است. برکت یک نظام الهی و اسلامی و انسانی و مردمی، در همین است که استعدادها می‌جوشد و شکوفا می‌شود؛ انسانها سرزمینهای ناشناخته و ناپیوده‌ای از تکامل بشری را طی می‌کنند و جامعه، بتدریج، به سمت کمال پیش می‌رود. همان‌طور که مزارع گیاهی را، سرزمین بااستعداد و باران رحمت حق و تربیت باغبان ماهر، شکوفا می‌کند و رنگین‌کمانی از میوه‌ها و گلها می‌سازد؛ در مزارع انسانی و بشری هم، یک کشور آزاد و مستقل، با تربیت قرآنی و اسلامی و باران رحمت احکام و معارف نورانی اسلام، همین بالندگی و شکوفایی را پیدا می‌کند.

دشمن در مقابل این وضعیت چه می‌تواند بکند؟! دشمنان ایران، دشمنان اسلام و دشمنان جمهوری اسلامی، در مقابل این سنت لایتغیر الهی چه می‌توانند بکنند؟! کدام جنگ نظامی، کدام جنگ تبلیغاتی، کدام جنگ سیاسی و کدام محاصره‌ی اقتصادی، قادر است ملتِ راه خود یافته‌ای را، از پیشرفت، تحرک و تکامل بازدارد؟! کافی است که ما راه خود را از بُن دندان و اعماق جان باور داشته باشیم. و ملت ایران، نشان داده‌اند که باور دارند. دشواری جنگ تحمیلی و دشواریهای گوناگون این هفده سال، باور ملت ایران را به همه‌ی دنیا نشان داده است. جوانان عزیز این مرزوبوم، خودشان را برای فردایی به مراتب برخوردارتر از

عزت و سربلندی امروز، آماده کنند. شما هم آماده باشید که در چنان ایران و چنان فضا و جامعه‌ای، به وظایف بزرگ و خطیر خودتان عمل کنید. خودتان را برای آن روز آماده کنید. (۱۶)

فصل چهارم

# انواع جهاد

## انواع و اقسام عرصه‌های زندگی بشر، عرصه‌ی جهادند

باید دانست که رحمت الهی و کمک الهی بستگی دارد به حرکت و تلاش انسان مؤمن؛ به عمل صالح او. باید در میدان باشیم، باید احساس وظیفه را فراموش نکنیم؛ مجاهدت را فراموش نکنیم؛ جهاد در صحنه‌های مختلف، وظیفه‌ی ماست و ضامن پیشرفت و پیروزی ماست. در صحنه‌ی سیاسی هم جهاد هست، در صحنه‌ی فرهنگی هم جهاد هست، در صحنه‌ی تبلیغاتی و ارتباطاتی هم جهاد هست، در صحنه‌های اجتماعی هم جهاد هست. جهاد فقط جهاد نظامی نیست؛ انواع و اقسام عرصه‌های زندگی بشر، عرصه‌ی جهادند. (۱۷)

## یقیناً جنگ سیاسی، اقتصادی و به‌ویژه فرهنگی خواهیم داشت

همّت کنید و عزم و اراده‌ی خود را تقویت نمایید. در میدانهای گوناگون، شجاعانه خود را مهیا کنید و آماده باشید. ممکن است ما هرگز جنگ نظامی نداشته باشیم؛ اما یقیناً جنگ سیاسی، اقتصادی و به‌ویژه فرهنگی خواهیم داشت. در اینجا من مجدداً به مسئولین توصیه می‌کنم که حسابها را طوری تنظیم و برنامه‌ها را طوری تدبیر کنند که جوانان کشور ما مزه‌ی شیرین مبارزه با فساد و تلاش برای خدمت‌رسانی را بچشند و احساس کنند. دعا می‌کنم که خدای متعال به مسئولین این توفیق را بدهد و به ملت عزیز ما سرافرازی، کامیابی، سعادت و عزت عطا فرماید و توجّهات حضرت ولی‌عصر ارواحنا فداه و دعای مستجاب آن حضرت را شامل حال ملت عزیز ما قرار دهد. (۱۸)

## جهاد فقط به معنای حضور در میدان جنگ نیست؛ جهاد سیاسی، جهاد

### فرهنگی، جهاد سازندگی و ... / شرط اول و دوم جهاد

یکی از نکات برجسته در فرهنگ اسلامی، که مصداقهای بارزش، بیشتر در تاریخ صدر اسلام و کمتر در طول زمان دیده می‌شود، «فرهنگ رزمندگی و جهاد» است. جهاد هم فقط به معنای حضور در میدان جنگ نیست؛ زیرا هرگونه تلاش در مقابله با دشمن، می‌تواند جهاد تلقی شود. البته بعضی ممکن است کاری انجام دهند و زحمت هم بکشند و از آن، تعبیر به جهاد کنند. اما این تعبیر، درست نیست. چون یک شرط جهاد، این است که در مقابله با دشمن باشد. این مقابله، یک‌وقت در میدان جنگ مسلحانه است که «جهاد

رزمی» نام دارد؛ یک‌وقت در میدان سیاست است که «جهاد سیاسی» نامیده می‌شود؛ یک‌وقت هم در میدان مسائل فرهنگی است که به «جهاد فرهنگی» تعبیر می‌شود و یک‌وقت در میدان سازندگی است که به آن «جهاد سازندگی» اطلاق می‌گردد. البته جهاد، با عنوانهای دیگر و در میدانهای دیگر هم هست. پس، شرط اول جهاد این است که در آن، تلاش و کوشش باشد و شرط دومش اینکه، در مقابل دشمن صورت گیرد. (۱۹)

فصل پنجم

# مردم، جوانان

و جهاد



## ملت ما در میدان های جهاد

من امسال را «سال جهاد اقتصادی» اعلام کرده‌ام. این معنایش این است که ملت ایران در این برهه‌ی از زمان، جهادش به طور عمد در عرصه‌ی اقتصاد است. امروز ما آمدمین این منطقه را از نزدیک بازدید کردیم. این منطقه، یک منطقه‌ی اقتصادی است که متکی است به تولید؛ و برای اقتصاد یک کشور، مهمترین بخشی که میتواند یک شکوفائی پایدار را به وجود بیاورد، تولید است؛ بخصوص آن بخش اقتصاد تولیدی‌ای که متکی است به دانش، متکی است به علم؛ اینجا اینجور است؛ هم اقتصادی است، هم تولیدی است، هم علمی است؛ دانش‌بنیان است. این، شایسته‌ی ملت ایران است. اگر یک روز مردم این منطقه و مردم بخشهای مختلف کشور در مقابل زورگوئی و پرروئی و زیاده‌طلبی دولتهای غارتگر و متجاوز، آنجور باید می‌ایستادند، امروز در مقابل آن قدرتها شکل ایستادگی پیچیده‌تر است، حساس‌تر است، متنوع‌تر است؛ احتیاج دارد به یک مجاهدت پیچیده و عمیق.

خوشبختانه ملت ما با فرهنگ مجاهدت آشناست. ما از مجاهدت، بیگانه نیستیم. ملت ما در میدانهای جهاد؛ هم جهاد نظامی، در دوران هشت سال دفاع مقدس؛ هم جهاد سیاسی، در طول این مدت؛ هم جهاد اقتصادی و علمی، یک ملت امتحان‌داده است. ما آشنا هستیم با جهاد. این جهادی که امروز باید انجام دهیم - جهاد اقتصادی - از جهادهائی که تا امروز ملت ایران انجام داده، مشکلتر نیست؛ اما باید بدانیم چه کار می‌خواهیم بکنیم. (۲۰)

## پایمردی جوانان در میدان های علم و سیاست و ...

امروز هم در میدان علم، میدان سیاست، میدان تلاش و کار، میدان همبستگی ملی و میدان بصیرت، شما جوانها پایمردی خودتان را نشان دادید، ایستادگی خودتان را اثبات کردید. گاهی اوقات جنگ نظامی آسانتر از جنگ فکری است؛ آسانتر از جنگ در عرصه‌های سیاسی است. ملت ایران نشان داد که در جنگ عرصه‌های سیاسی و امنیتی، بصیرتش و ایستادگی‌اش از ایستادگی در جنگ نظامی کمتر نیست. لذا جوانهای ما بحمدالله جوانهای لایق، ساخته و پرداخته‌ای هستند که باید به این مقدار هم اکتفا نکنند؛ همت مضاعف، کار مضاعف. همتتان را بلند کنید. ملت ایران باید عقب‌افتادگی‌های دورانه‌ی طولانی استبداد در این کشور و دخالت خارجی و نفوذ خارجی را جبران کند. بنده اطمینان راسخ دارم به اینکه جوان امروز

کشور عزیز ما در سطح عالم، کم‌نظیر یا بی‌نظیر است. و این، نوید آینده‌ی کشور است. ان‌شاء‌الله شما جوانها آن روزی را خواهید دید که کشورتان از لحاظ علمی، از لحاظ فناوری، از لحاظ سیاسی، از لحاظ نفوذ بین‌المللی، در سطحی باشد که شایسته‌ی ایران اسلامی و شایسته‌ی ملت بزرگ ایران است. (۲۱)

## بسیجی و مسائل سیاسی / اصل اول و یک خط قرمز

مگر مجموعه‌ی بسیجی - آن هم بسیجی انقلاب و دانشجوی انقلاب - می‌تواند نسبت به مسائل سیاسی کشور بی‌تفاوت یا بدون موضع و بدون نظر باشد؟! مگر چنین چیزی ممکن است؟! من، شما دانشجویهای بسیجی را توصیه می‌کنم به این که محافظه‌کار نشوید و همواره دانشجو و بسیجی - به همان معنای مثبت و پُر خون و پُر تپش - باقی بمانید. البته دنباله‌ی این که می‌گوئیم «محافظه‌کار نشوید» این است که «ولی هوشیار هم باشید». کاملاً هوشیار باشید. شعار می‌دهید: دانشجو بیدار است! بله، همین توقع هست؛ من می‌خواهم به شما عرض بکنم: بیدار باشید. بیداری دانشجو هم فقط بیزاری از امریکا نیست. امریکا چیست؟ امریکا به معنای یک منطقه‌ی جغرافیایی یا یک ملت مطرح است؟ یا نه، به عنوان یک حجم و هویت سیاسی، امنیتی، تشکیلاتی، فرهنگی که به چشم دیده نمی‌شود؟ آن هم تشکیلاتی با پشتوانه‌ی عظیم مالی و تجربه‌ی فراوان در کار تبلیغات و جنگ روانی. بیزاری از این، بیداری مضاعف لازم دارد. مثل بیداری در میدان جنگ نظامی نیست که شما اگر در سنگر بیدار باشید، به مجردی که دشمن کوچک‌ترین تحرکی نشان داد، او را هدف قرار بدهید. در جنگ فرهنگی، در جنگ سیاسی، در جنگ امنیتی، تحرک دشمن را درست نمی‌توان دید. گاهی اوقات، دشمن کار را به گونه‌ای ترتیب می‌دهد که حرف حقی، از زبان یک نفر صادر بشود؛ دشمن ناحق و باطل است، پس چرا می‌خواهد این حرف حق از زبان آن شخص صادر بشود؟ چون می‌خواهد پازل خودش را کامل کند. این پازل از صد یا دویست قطعه تشکیل شده؛ یک قطعه‌اش هم همین حرف حقی است که آن شخص باید بزند تا این پازل را کامل کند! اینجا این حرف حق را نباید زد. پازل دشمن را کامل نباید کرد. در این حد هوشیاری لازم است! بله، وارد سیاست بشوید و فکر سیاسی کنید؛ اما بسیار هوشیار. دشمن نباید بتواند از هیچ حرکت و اظهار و موضع‌گیری شما استفاده کند. این، اصل اول و یک خط قرمز است. (۲۲)

فصل ششم

# مبارزین و

# مبارزات سیاسی

## مبارزات سیاسی در شیراز

علمای مبارزی که از این استان به تاریخ دانش دین در کشور معرفی شدند، در کمتر نقطه‌ای از نقاط ایران نظیر دارند. میرزای شیرازی را که همه می‌شناسند، مرحوم سید علی اکبر فال‌اسیری - عالم بزرگ - که در همین شهر شیراز قیام کرد و با نفوذ انگلیس‌ها و نفوذ خارجیها مخالفت کرد، بعد هم آمدند و او را گرفتند و تبعید کردند؛ لکن اثر کار او ماند. نوشته‌اند که سید علی اکبر فال‌اسیری در نزدیک حافظیه - شاید در همین نقاطی که الآن شما حضور دارید - مشغول زیارت عاشورا بود که ریختند و او را گرفتند و تبعید کردند. میرزای دوم - میرزا محمد تقی شیرازی - که در سالهای بعد از جنگ جهانی اول، رهبر مبارزه‌ی ملت عراق در مقابل تهاجم انگلیس‌ها و اشغال انگلیس‌ها بود. مرحوم سید عبد الحسین لاری چهره‌ی برجسته و ممتازی بود که در حدود صد سال قبل، در همین استان و به کمک عشایر غیور و دلیر استان فارس، مبارزات خودش را شروع کرد؛ با سلطه‌ی انگلیس‌ها مبارزه کرد؛ برای استقرار نظام قانونی و مشروطیت مبارزه کرد؛ برای تشکیل حکومت اسلامی مبارزه کرد. روحانیت استان از این نمونه‌ها بسیار دارد که همه هم به کمک مردم مؤمن و غیور استان فارس - چه عشایر و چه مردم شهرها و چه بخصوص شهر شیراز - مستظهر بوده‌اند. مرحوم سید نور الدین حسینی، در همین شهر شیراز عضو سفارت بیگانه را - که به مقدسات مردم اهانت کرده بود - خواباند و با دست خودش به او شلاق زد و حدّ الهی را جاری کرد و با دستگاه جبار، با شجاعت تمام به مبارزه‌ی سیاسی و اجتماعی برخاست. بعد هم در دوران شروع مبارزات روحانیت، مرحوم آیت‌الله شهید دستغیب و مرحوم آیت‌الله محلاتی و دیگر علما، مسجد جامع عتیق شیراز را مرکز مبارزات خودشان قرار دادند و آوازه‌ی مبارزات علمای شیراز و سخنرانیهای مرحوم آیت‌الله دستغیب - به عنوان سخنگوی آن روحانیت - در همان روزها در اکناف ایران منتشر شد. بنده خودم در آن وقت در قم بودم، نوار سخنرانی مرحوم شهید دستغیب دست به دست میان طلاب می‌گشت! ما هم آن وقت شنیدیم. این موضع روحانیت مبارز شیراز بود که با پشتیبانی مردم هم همراه بود. (۲۳)

## جهاد سیاسی و فرهنگی عالم مجاهد آیت‌الله آقای حاج سید محمد شیرازی رحمة الله عليه

رحلت عالم مجاهد آیت‌الله آقای حاج سید محمد شیرازی رحمه الله عليه را به بیت شامخ و معظم شیرازی و بخصوص به خانواده‌ی محترم و فرزندان مکرم ایشان و نیز به همه‌ی دوستداران و ارادتمندان آن مرحوم بخصوص به حضرات کربلائیهای مقیم ایران صمیمانه تسلیت عرض می‌کنم.

آن عالم بزرگوار سالهای متمادی از عمر خویش را در عراق و ایران صرف جهاد فرهنگی و سیاسی برای اعلا‌ی کلمه‌ی اسلام و ترویج مکتب اهل بیت علیهم‌السلام نموده و زحمات فراوانی تحمل کردند. تألیفات متعدد ایشان در علوم اسلامی و مبارزه با صهیونیسم و استکبار، متضمن مجموعه‌ی بزرگی از معارف دینی و سیاسی است و سعی مشکور و مجاهدت مقبولی در درگاه خداوند متعال است. **إن شاء الله. (۲۴)**

### مجاهدت علمی و سیاسی شهید آیت‌الله سید محمد باقر صدر

توفیق و مدد الهی، آمیختگی این فضیلت‌های بزرگ را با رتبه‌ی والای جهاد فی سبیل الله رقم زد. در هنگامی که حوزه‌ی کهن نجف در بوته‌ی آزمایش مواجهه با امواج بیداری اسلامی و انقلابی قرار گرفت، این شخصیت بیدار و آگاه قدم در راه مجاهدتی علمی و سیاسی نهاد و درخشش معنوی خود را مضاعف ساخت، بینش عمیق او نیاز زمان را حس کرد و در راهی که اجداد طاهرینش به روی پیروان و جانشینان خود گشوده بودند، گامی استوار نهاد و چه زود پاداش این فداکاری عظیم، یعنی محنت و سپس شهادت در راه خدا را دریافت کرد. **(۲۵)**

### مبارزات سیاسی شهید نواب صفوی، دکتر مصدق و آیت‌الله کاشانی

من شاید پانزده یا شانزده سالم بود که مرحوم «نواب صفوی» به مشهد آمد. مرحوم نواب صفوی برای من، خیلی جاذبه داشت و به کلی مرا مجذوب خودش کرد. هرکسی هم که آن وقت در حدود سنین ما بود، مجذوب نواب صفوی می‌شد؛ از بس این آدم، پُرشور و با‌اخلاص، پر از صدق و صفا و ضمناً شجاع و صریح و گویا بود. من می‌توانم بگویم که آنجا به طور جدی به مسائل مبارزاتی و به آنچه که به آن مبارزه سیاسی

می‌گوییم، علاقه‌مند شدم. البته قبل از آن، چیزهایی می‌دانستم. زمان نوجوانی ما با اوقات «مصدق» مصادف بود. من یادم است در سال ۱۳۲۹ وقتی که مصدق تازه روی کار آمده بود و مرحوم «آیت‌الله کاشانی» با او همکاری می‌کردند مرحوم آیت‌الله کاشانی نقش زیادی در توجه مردم به شعارهای سیاسی دکتر مصدق داشتند لذا کسانی را به شهرهای مختلف می‌فرستادند که برای مردم سخنرانی کنند و حرف بزنند. از جمله در مشهد، سخنرانانی می‌آمدند. من دو نفر از آن سخنرانان و سخنرانیهایشان را کاملاً یادم است. آنجا با مسائل مصدق آشنا شدیم و بعد، مصدق سقوط کرد.

در سال ۱۳۳۲ که قضیه ۲۸ مرداد پیشامد کرد، من کاملاً در جریان سقوط مصدق و حوادث آن روز بودم؛ یعنی من خوب یادم است که اوباش و اراذل، در مجامع حزبی که به دولت دکتر مصدق ارتباط داشتند، ریخته بودند و آنجاها را غارت می‌کردند. این مناظر، کاملاً جلو چشمم است!

بنابراین من مقوله‌های سیاسی را کاملاً می‌شناختم و دیده بودم؛ لیکن به مبارزه سیاسی به معنای حقیقی، از زمان آمدن مرحوم نواب علاقه‌مند شدم. بعد از آنکه مرحوم نواب از مشهد رفت، زیاد طول نکشید که شهید شد. شهادت او هم غوغایی در دل‌های جوانانی که او را دیده و شناخته بودند، به وجود آورده بود. در حقیقت سوابق کار مبارزاتی ما به این دوران برمی‌گردد؛ یعنی به سال‌های ۱۳۳۳ و ۳۴ به بعد. (۲۶)

## مردم و مسائل سیاسی/اختناق در دوران قبل انقلاب

نکته خیلی مهمی که امروز شاید شما واقعاً نتوانید آن را درست تصور کنید، این است که آن دوران، مسائل کشور سیاست و دولت مطلقاً برای مردم مطرح نبود. امروز مردم ما در کشور، وزرا را می‌شناسند، رئیس‌جمهور را می‌شناسند، آن وقتی که نخست‌وزیر بود، او را می‌شناختند، کارهای عمده را می‌دانند، در مبارزات سیاسی خیلی چیزها را خبر دارند که دولت، امروز چه اقدامی کرده و چه تصمیمی گرفته است؛ ولی آن زمان، دولتها می‌آمدند و می‌رفتند و اصلاً مردم نمی‌فهمیدند! یک نخست‌وزیر می‌رفت، یک نخست‌وزیر دیگر می‌آمد، کابینه عوض می‌شد، انتخابات می‌شد و اصلاً مردم خبر نمی‌شدند! توجه می‌کنید؟! به کل نسبت به مسائل دولت، بی‌تفاوت بودند. دولت برای خودش کارهایی می‌کرد، مردم راه خودش را می‌رفتند، دولت راه خودش را می‌رفت، فشار روی مردم، خیلی زیاد بود و آزادی اصلاً نبود.

من یادم است که دوستی از دوستان ما از پاکستان آمده بود، برای ما نقل می‌کرد که بله، من در داخل پارک، فلان کس را دیدم که اعلامیه‌ای را به فلانی داد؛ من تعجب کردم که مگر در پارک کسی می‌تواند به کسی اعلامیه بدهد! او از تعجب من تعجب کرد و گفت: چرا نشود؟! پارک است دیگر، انسان اعلامیه را درمی‌آورد و به آن طرف می‌دهد. گفتم: چنین چیزی می‌شود؟! این مربوط به دوران مبارزات ما بود که من دوره نوجوانی را هم گذرانده بودم؛ یعنی اختناق در ایران آن قدر زیاد بود که اصلاً تصور نمی‌کردیم ممکن است کسی بتواند به زبان صریح، روشن، روز روشن، جلو چشم مردم، حرف سیاسی به کسی یا به دوستی بزند، یا کاغذی را به او بدهد، یا کاغذی را از او بگیرد! از بس فشار و خفقان بود. به کوچک‌ترین سوءظن، افراد را می‌گرفتند و به خانه‌های مردم می‌ریختند! (۲۷)

### حضور زنان در میدانهای عظیم مبارزه‌ی سیاسی

امروز معضل بزرگی در ارتباط با قشر زن، نه فقط در ایران ما، بلکه در سراسر جهان وجود دارد. آن معضل این است که نسبت به حقوق و شخصیت بانوان، در بعضی از بخشهای زندگی، کوتاهی یا تعرض انجام می‌گیرد. یعنی به زنان ظلم می‌شود.

بعضی تصور می‌کنند این ویژگی، مخصوص کشورهای شرقی یا اسلامی است. این تصور، اشتباه است. ظلم به زنان، در کشورهای غربی - با همه‌ی ادعاهایی که نسبت به زنان دارند - اگر بیشتر از کشورهای اسلامی و شرقی نباشد، کمتر نیست. آمارهایی مبنی بر آزار زنان در خانواده از طرف مردان - چه شوهر، چه پدر و چه برادر - وجود دارد که من این آمارهای تکان‌دهنده را دیده‌ام. واقعاً انسان را دچار تعجب می‌کند! پس، معضلی که به آن اشاره شد، در همه جای دنیا وجود دارد. این معضل، باید حل شود. البته در کشور ما، به هنگام مقدمات پیروزی انقلاب که زنان در میدانهای عظیم مبارزه‌ی سیاسی حضور پیدا کردند و نقش خودشان را به اثبات رساندند، وضع تا حدود زیادی عوض شد. (۲۸)

### حضور برادران شیعه و سنی در کنار هم در مبارزات سیاسی و ...

ما یک‌جانبه حرف نمی‌زنیم. ما به همه‌ی مسلمین عالم - هم سنی و هم شیعه - این سفارش را می‌کنیم. داخل کشور خودمان، برادران شیعه و سنی را در کنار هم در نماز جماعت و صحنه‌ی خونین جنگ و

عرصه‌ی مبارزات سیاسی و حضور در صحنه‌های گوناگون انقلاب و در انتخابات و در مجلس شورای اسلامی و در همه جا، با یکدیگر دیدیم و می‌بینیم و هستیم. آن‌ها باهم مهربانند و مشکلی هم ندارند. (۲۹)

## حرکت افتخار آمیز و جهاد سیاسی در دوم خرداد

ملت عزیز ایران، صحنه‌ی زیبا و پرشوری که در روز جمعه‌ی دوم خرداد و در پای صندوقهای رأی آفریدید، حقیقتاً یک حماسه‌ی تاریخی بود. آگاهی و هوشیاری سیاسی شما یک‌بار دیگر به کمک خداوند، درست در لحظه‌ی مقتضی، کار خود را کرد و از ایران اسلامی چهره‌ای بانشاط، مصمم، و سرشار از ایمان و آگاهی به دنیا نشان داد و بحمد الله کشور را در برابر توطئه‌ی دشمنان و وسوسه‌ی بدخواهان تا مدت‌ها بیمه کرد. شرکت شما در یک مسابقه‌ی سالم و مسئولانه برای انتخاب رئیس‌جمهور، با امنیت و انضباط تمام، و با رعایت بیشتر ملاحظات که در چنین حرکت عظیمی با ابعاد یک ملت بزرگ، در دنیا کمیاب و کم‌نظیر است، برای دوست و دشمن ثابت کرد که ملت ما به برکت عمل به اسلام ناب محمدی (صلی الله علیه و آله) در صحنه‌ی جهاد سیاسی نیز مانند صحنه‌ی جهاد نظامی، از انسجام و ابتکار و نظم و قاعده‌ی درست برخوردار است و نفس زهرآگین دشمنان که از ماهها پیش به قصد دلسرد کردن مردم، صوری بودن و جدی نبودن انتخابات را با زبانهای مختلف در همه‌ی تبلیغات فرامرزی خود تکرار می‌کردند، در او کمترین تأثیر را ندارند. اکنون با حضور بسیار گسترده‌ی شما ملت عزیز در این آزمایش الهی، و با اختصاص اکثریت قاطع آراء به رئیس‌جمهور منتخب مردم، ایران اسلامی از آزمایشی دیگر، موفق و سرافراز بیرون آمده و دوران تازه‌ای در تاریخ درخشان جمهوری اسلامی آغاز شده است. ملت عزیز ما باید در دل از خداوند متعال شاکر باشد که او را به این حرکت افتخارآمیز هدایت کرد و دشمنان او را ناکام ساخت. (۳۰)



فصل هفتم

دشمنان

## تفکر و شیوه طرفداران خلق در مقابله با نظام اسلامی

انقلاب اسلامی با آن عظمت پیروز شد. مردم آمدند با تن‌های خودشان، با جسمهای بی‌پناه و بی‌زره خودشان در مقابل سلاح عوامل رژیم جبار ایستادند و انقلاب را پیروز کردند؛ بعد همین مردم آمدند به جمهوری اسلامی رأی دادند و جمهوری اسلامی را انتخاب کردند. خوب، یک انسان باانصاف و باشرف، در مقابل این خواست مردم چه می‌کند؟ بعضی‌ها آمدند وسط میدان، ادعای طرفداری از مردم کردند، خودشان را دموکراتیک خواندند، خودشان را طرفدار خلق معرفی کردند؛ آن وقت با همین خلقی که این نظام را با این بهای سنگین سر کار آورده بودند، شروع کردند به مقابله کردن. توشان منافق بود، کافر صریح بود، طرفدار غرب بود، متظاهر به دین هم بود؛ همه‌ی این‌ها باهم شدند یک جبهه، یک حرکت، در مقابل نظام اسلامی، در مقابل ملت ایران. ادعای طرفداری از مردم کردند، با مردم درافتادند؛ ادعای طرفداری از دموکراسی و آراء مردم کردند، با آراء مردم و نتیجه‌ی آراء مردم درافتادند؛ ادعای روشن‌فکری و آزاداندیشی و آزادفکری کردند، به طور متحجرانه چهارچوبهای القائی متفکرین غربی را- که آمیخته‌ی به بدخواهی و بددلی بود- قبول کردند؛ آمدند مقابل ملت ایران. اول با حرفهای روشن‌فکرانه یا شبه روشن‌فکرانه شروع کردند به امام و به جمهوری اسلامی و به مبانی امام اعتراض کردن، انتقاد کردن، حرف زدن؛ بعد یواش‌یواش رودربایستی را کنار گذاشتند، آمدند توی میدان، مبارزه‌ی فکری راه، مبارزه‌ی سیاسی را تبدیل کردند به مبارزه‌ی مسلحانه یا اغتشاشگری- این‌ها توی کشور ما اتفاق افتاد؛ مال تاریخ نیست، مال همین دهه‌ی اول انقلاب است- شروع کردند مزاحمت کردن. به جای اینکه بنشینند فکر کنند، ببینند مشکلات کشور چیست- این همه مشکلات متوجه کشور ما بود؛ مقداری از گذشته مانده بود، مقداری را تحمیل می‌کردند- به حل این مشکلات کمک کنند، به مسئولین کمک کنند، اگر به نظرشان می‌رسد که باید راهنمایی کنند، راهنمایی کنند، اگر زیر یک باری را باید بگیرند، به جای اینکه بگیرند، افتادند سینه به سینه شدن، معارضه کردن، بدگوئی کردن؛ بعد هم هر جا توانستند، با مردم مواجه شدن، در بخشهای مختلف. کشور در مرزها درگیر جنگ بود، به جنگ هم بی‌اعتنائی کردند؛ داخل همین خیابانهای تهران، سر هر چهارراهی که توانستند، سر هر گذری که دستشان رسید، بنا کردند با جمهوری اسلامی و با نظام مقابله کردن. (۳۱)

## جهاد بزرگ در مقابل ملت مسلمان؛

جهاد سیاسی، جهاد فکری، جهاد علمی، جهاد اجتماعی، جهاد اخلاقی، جهاد

### نظامی

امروز دنیای اسلام افق روشنی در مقابل خود مشاهده می‌کند. دشمنان بزرگ و مستکبران گردن کلفت عالم که همه‌ی دنیا در اختیار آن‌ها هست، امروز در مقابل خیزش امت‌های مسلمان و بیداری ملت‌های مسلمان احساس ناتوانی می‌کنند؛ راه بر روی آن‌ها بسته است و این نشان‌دهنده‌ی وعده‌ی الهی است که فرمود: «و لینصرنَّ اللهَ من ینصره انَّ اللهَ لقویُّ عزیزٌ». و فرمود: «و نرید ان نمَّ علی الذین استضعفوا فی الأرض و نجعلهم ائمةً و نجعلهم الوارثین». این‌ها وعده‌ی الهی است. و فرمود: «و الله غالب علی أمره». این وعده‌های الهی به برکت بیداری و حرکت مسلمانها بتدریج خود را نشان می‌دهد.

یک جهاد بزرگ در مقابل ملت مسلمان است. این جهاد لزوماً جهاد نظامی نیست؛ جهاد سیاسی است، جهاد فکری است، جهاد علمی است، جهاد اجتماعی است، جهاد اخلاقی است. و امت بزرگ اسلام بتدریج با ابعاد گوناگون این جهاد آشنا شده است و آشنا می‌شود. امروز شما نگاه کنید به صحنه‌ی منطقه‌ی بسیار حساس خاورمیانه، همین پیشرفت امت اسلامی را می‌بینید. مسئله‌ی فلسطین که یک مسئله‌ی غم‌انگیز برای دنیای اسلام بود، امروز با اینکه وحشیگری صهیونیستها نسبت به فلسطینیان چند برابر شده است، در عین حال امید را شما در ناصیه‌ی ملت فلسطین مشاهده می‌کنید. (۳۲)

## اگر بتوانیم ضربه‌ی سیاسی به امریکا و اسرائیل بزنیم، حتماً می‌زنیم. اما ...

امروز امریکا در دنیای اسلام به شدت منفور است؛ اینکه دیگر جای انکار نیست. این نفرت هم البته دلالتی دارد و بیخود یک دولت و یک رژیم در نظر ملت‌ها منفور نمی‌شود. در بین فلسطینی‌ها منفور است، علتش روشن است؛ بین لبنانی‌ها منفور است، علتش روشن است؛ بین عراقی‌ها منفور است، علتش روشن است؛ بین ملت‌های گوناگون مسلمان دیگر معلوم منفور است، علتش روشن است؛ چون دائم به اسلام، به مسلمین، به ارزش‌های اسلامی اهانت می‌کنند؛ از اهانت‌کنندگان به اسلام حمایت می‌کنند؛ حقوق ملت‌های مسلمان را زیر پا له می‌کنند. خوب، نتیجه این نفرت چه می‌شود؟ نتیجه‌اش این می‌شود که امریکا با همه‌ی لشکرکشی سنگین و پُرهباهویش در عراق، پا در گِل می‌ماند و شکست می‌خورد. امروز دیگر ما نیستیم که

می‌گوئیم امریکا در عراق شکست خورد؛ قضاوت همه است؛ قضاوت خود آمریکائی‌ها و نخبگان سیاسی امریکا هم همین است. خوب، چرا شکست می‌خورد؟ چون منفور مردم است؛ چون مردم از او بدشان می‌آید. نفرت مردم از امریکا موجب می‌شود که با او همکاری نکنند و هرجا هم می‌توانند، ضربه‌ای به او بزنند. امریکایی‌ها می‌آیند صورت مسئله را عوض می‌کنند و می‌گویند ایران در عراق، در مقابل امریکا است. بله، ایران از شما متفتر است؛ در این شکی نیست؛ دولت و ملت ایران از شما متفترند؛ این روشن است؛ اما قضیه‌ی عراق، قضیه‌ی ملت عراق است.

در فلسطین، تیرشان به سنگ می‌خورد، ناکام می‌مانند، نقشه‌هایشان خراب می‌شود، طرف‌دارانشان مغلوب می‌شوند، نیروی طرف‌دار حق فلسطینی غلبه و قدرت پیدا می‌کند، این‌ها عصبانی می‌شوند و می‌گویند دست ایران اینجا در کار است! ایران آمد در غزه، اسرائیل را محاصره کرد! خوب بیچاره‌ها، چرا واقعیت را ندیده می‌گیرید؟! چرا به ملت فلسطین اهانت می‌کنید؟ ما اگر بتوانیم ضربه‌ی سیاسی به امریکا و اسرائیل بزنیم، حتماً می‌زنیم. اما قضیه غزه و فلسطین، قضیه‌ی مردم فلسطین است. فلسطینی‌ها از امریکا متفترند؛ با اسرائیل از بن دندان و از اعماق دل دشمنند؛ حق هم دارند، خانه‌شان را تصرف کرده‌اند. این حقیقت را انسان نبیند و ببخود به این در و آن در بزند. در لبنان همین‌جور؛ در افغانستان یک‌جور دیگر؛ در پاکستان یک‌جور دیگر. ببینید این نفهمیدن و به این در و آن در زدن و به جفنگ‌گوئی افتادنِ مسئولان بلندپایه‌ی یک قدرت بزرگ سیاسی و نظامی جهان و نشناختن موضوع، نشانه‌ی این است که در فهمشان و در جهت‌گیریشان دچار ادبارند؛ مغلوب حقیقی‌اند؛ چون غیر از عرصه‌ی جنگ سیاسی و جنگ نظامی، یک عرصه‌ی دیگری وجود دارد در جنگ، به نام عرصه‌ی اعتقادی و ایمانی و عرصه‌ی باورها. آن‌ها در باورهای خودشان مغلوبند. طرف مقابلشان حق دارد، حقیقت را می‌بینند، باورهای روشنی دارد؛ اما آن‌ها این باورهای روشن را ندارند و ناگزیرند عرصه‌ها را مخلوط کنند؛ موضوعات را به هم وصل کنند. (۳۳)

## مرزهای مادی آزادی زنده ماندن، آزادی عقیده، آزادی مبارزه‌ی سیاسی در دنیای غرب

چند سال قبل از این حدود چهار، پنج سال پیش در امریکا گروهی پیدا شدند، که خبرش را هم همه‌ی کسانی که اهل روزنامه‌اند، خوانده‌اند. البته بنده همان وقت تفصیل بیشتری را از آن اطلاع پیدا کردم؛ لیکن همه در روزنامه‌های ما هم نوشتند و گفتند. گروهی پیدا شدند که این‌ها با گرایش مذهبی خاصی علیه حکومت فعلی امریکا زمان همین آقای کلینتون اقدام کردند. علیه آن‌ها مقداری کارهای امنیتی و انتظامی شد، اما فایده‌ای نبخشید. خانه‌ای را که آن‌ها در آن جمع شده بودند، محاصره کردند و آتش زدند که حدود هشتاد نفر در آتش سوختند! عکسهایش را هم منتشر کردند و همه‌ی دنیا هم دیدند. در میان این هشتاد نفر، زن هم بود، کودک هم بود، شاید یک نفرشان هم نظامی نبود. ببینید؛ آزادی زنده ماندن، آزادی عقیده، آزادی مبارزه‌ی سیاسی، به این حد محدود می‌شود. بنابراین، آزادی در دنیای مادی غرب هم حدود و مرزهایی دارد؛ منتها این مرزها، مرزهای مادی است. (۳۴)

## دلیل اهمیت مذاکره با ایران برای آمریکا/شروع مبارزات سیاسی و اصلاحی مسلمانان

برای اینکه مذاکره‌ی با ایران برای امریکا اهمیت دارد، این است که حرکت جمهوری اسلامی و ملت ایران موجب شد که احساسات اسلامی در هر گوشه‌ی دنیا بیدار شود؛ در آسیا، در آفریقا و حتی در اروپا، مسلمانان با نام اسلام، احساسات اسلامی خودشان را سر دست گیرند و مبارزه‌ای را به نحوی شروع کنند. بعضی از این مبارزات، مبارزات سیاسی با دولتهاست. بعضی از این مبارزات، مبارزات اصلاحی است؛ بالاخره مشغول مبارزه هستند. همه‌ی این‌ها، از این قله‌ی جمهوری اسلامی و امام و این ملت، سرزیر شده‌اند. (۳۵)

## منابع

۱. ۶۹/۰۱/۲۲- بیانات در دیدار اعضای حزب وحدت اسلامی افغانستان
۲. ۸۶/۰۴/۲۵- بیانات در بازدید از پژوهشکده رویان
۳. ۸۳/۰۸/۲۰- بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت
۴. ۹۰/۰۴/۰۹- بیانات در دیدار با مسئولان نظام
۵. ۸۶/۰۶/۳۱- بیانات در دیدار کارگزاران نظام
۶. ۸۱/۱۱/۱۸- پیام به کنگره‌ی عظیم حج
۷. ۸۳/۰۳/۱۴- بیانات در سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی(ره)
۸. ۸۴/۱۱/۰۵- بیانات در دیدار روحانیان و مبلغان در آستانه‌ی ماه محرم
۹. ۷۳/۰۱/۲۴- بیانات در دیدار جمعی از فرماندهان و پرسنل ارتش
۱۰. ۷۹/۰۹/۱۲- بیانات در دیدار کارگزاران نظام
۱۱. ۸۱/۱۱/۱۸- پیام به کنگره‌ی عظیم حج
۱۲. ۷۹/۱۱/۱۹- بیانات در دیدار جمع کثیری از پرسنل نیروی هوایی
۱۳. ۷۷/۱۲/۱۵- بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در همایش آسیب‌شناسی انقلاب
۱۴. ۷۶/۱۲/۱۳- بیانات در دیدار کارگزاران حج
۱۵. ۶۸/۰۴/۲۰- بیانات در مراسم بیعت مدرّسان و فضلا و طلاب حوزه‌ی علمیه‌ی مشهد
۱۶. ۷۵/۰۸/۰۶- بیانات در دانشگاه افسری نیروی زمینی ارتش
۱۷. ۸۶/۰۵/۲۸- بیانات در دیدار میهمانان شرکت‌کننده در چهارمین مجمع جهانی اهل بیت (ع)
۱۸. ۸۲/۰۱/۰۱- پیام نوروزی به مناسبت حلول سال ۱۳۸۲
۱۹. ۷۵/۰۳/۲۰- بیانات در دیدار فرماندهان لشکر ۲۷ محمد رسول‌الله (ص)
۲۰. ۹۰/۰۱/۰۸- بیانات در جمع مردم و کارکنان صنعت نفت عسلویه
۲۱. ۸۹/۰۱/۱۱- بیانات در منطقه عملیاتی فتح‌المبین
۲۲. ۸۶/۰۲/۳۱- بیانات در دیدار اعضای بسیج دانشجویی دانشگاه‌ها
۲۳. ۸۷/۰۲/۱۱- بیانات در دیدار مردم شیراز
۲۴. ۸۰/۰۹/۲۶- پیام تسلیت به مناسبت درگذشت آیت‌الله آقای حاج سید محمد شیرازی
۲۵. ۷۹/۱۰/۲۹- پیام به کنگره بزرگداشت شهید آیت‌الله سید محمدباقر صدر
۲۶. ۷۶/۱۱/۱۴- گفت و شنود صمیمانه رهبر معظم انقلاب اسلامی با گروهی از جوانان و نوجوانان

۲۷. ۷۶/۱۱/۱۴- گفت و شنود صمیمانه رهبر معظم انقلاب اسلامی با گروهی از جوانان و نوجوانان
۲۸. ۷۵/۰۶/۲۸- بیانات در جمع زنان شهر ارومیه
۲۹. ۶۸/۰۷/۱۹- بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم و مسئولان و جمعی از شیعیان استان سرحد پاکستان
۳۰. ۷۶/۰۳/۰۳- پیام در پی حضور باشکوه مردم در انتخابات
۳۱. ۸۸/۱۱/۰۶- بیانات در دیدار مردم مازندران در سالگرد حماسه ۶ بهمن
۳۲. ۸۷/۰۷/۱۰- بیانات در دیدار مسئولان نظام
۳۳. ۸۶/۰۴/۰۹- بیانات در دیدار اعضای هیأت دولت و مدیران اجرایی کشور
۳۴. ۷۷/۰۶/۱۲- بیانات در دانشگاه تربیت مدرس
۳۵. ۷۶/۱۰/۲۶- بیانات در خطبه های نماز جمعه